

باسمہ تعالیٰ



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاربرگ طرحنامه پژوهشی

(Proposal)

تکمیل این کاربرگ هیچگونه حق مادی برای پژوهشگر ایجاد نمی کند، ولی پژوهشگاه خود را موظف به حفظ حقوق معنوی وی می داند.

۲. بیان مسئله و ضرورت پژوهش:

تا پیش از دهه ۷۰ میلادی، به اهمیت توسعه فرهنگی در توسعه کشورهای جهان سوم توجه چندانی نمی‌شد و عامل عقب‌ماندگی این کشورها توسعه در فناوری دانسته می‌شد. اما در سند کنفرانس جهانی مکزیکو بر ضرورت توجه به عوامل فرهنگی و به‌عبارت دیگر، بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به‌عنوان جزئی از برنامه‌های راهبردی در جهت توسعه متوازن، تأکید گردید (احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۹۰). به بیان دیگر، توجه به تنوع فرهنگ مناطق مختلف در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی است که برنامه‌ریزان راهبردی در این سند به آن اذعان داشتند. با وجود اهمیت مقوله فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، اما در «سند ملی آمایش سرزمین» در کشورمان به آن توجه چندانی نشده است. در این سند در حوزه فرهنگ تمرکز اصلی بر «ارتقاء گردشگری و آوازه میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی ایران و گسترش گردشگری بوم‌آورد، اجتماع‌محور، فرهنگ‌مبنا، خلاق و متنوع در پهنه سرزمین» است. حتی در این سند «بهره‌گیری از برنندسازی مکانی، احیا و تقویت رویدادهای فرهنگی مختلف انسجام‌بخش در پهنه جغرافیای کشور، «حفظ و احیاء هویت، آیین‌ها، سنت‌ها و مراسم ویژه اقوام مختلف»، «احیاء هنرهای روبه‌فراموشی» و مواردی از این دست نیز با تأکید بر استفاده از آن‌ها در صنعت گردشگری ذکر شده است. در سند مذکور همچنین مناطق مختلف ایران بر اساس همین تمرکز بر صنعت گردشگری به چندین محور، حلقه، قطب، و پهنه تقسیم گردیده که البته معیار تعیین اغلب این گروه‌ها ظرفیت‌های طبیعی مناطق بوده است (سند آمایش سرزمین، ۱۳۹۹: ۳۰-۲۹)^۱. بنابراین، در این سند مهم برنامه‌ریزی منطقه‌ای کشور، بی‌توجهی به اهمیت بستر فرهنگی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای آشکار است. با توجه به این خلاء، تدوین «سند آمایش فرهنگ» به‌عنوان مکمل و لازمه موفقیت برنامه آمایش سرزمین ضروری به نظر می‌رسد.

آمایش فرهنگی سرزمین به «نحوه توزیع امکانات و خدمات فرهنگی در مناطق مختلف» با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی ساکنان این مناطق اشاره دارد و بی‌توجهی به آن ضمن افزایش نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی اثرات زیان‌باری چون تمایل به ارزش‌های فرهنگی بیگانه یا تجزیه‌طلبی را به دنبال خواهد داشت. لازمه آمایش فرهنگی یا همان برنامه‌ریزی فضایی فرهنگی، شناخت این فضاها و به‌عبارت دیگر، اقلیم‌ها یا واحدهای فرهنگی مختلفی است که باید برنامه‌ریزی بر اساس ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی آن‌ها انجام گیرد (باصری و مجیدی‌زاده، ۱۳۹۶). اقلیم‌های فرهنگی علاوه بر حفظ توأمان وحدت و تکرر واحدهای فرهنگی کشور، می‌توانند بازنما و توضیح‌دهنده امتداد واحدهای فرهنگی به خارج از مرزهای ملی نیز باشند و امکان تازه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی کشور فراهم آورده و اقتصاد فرهنگ را در مسیر تازه‌ای قرار دهند. در همین راستا، پهنه‌بندی این اقلیم‌ها و برنامه‌ریزی متناسب با آن‌ها می‌تواند به هدف مورد توجه در سند آمایش سرزمین، یعنی استفاده از ظرفیت‌های مناطق مختلف برای ارتقاء صنعت گردشگری نیز جامعه عمل بپوشاند.

با توجه به اهمیت و ضرورت‌های فوق‌الذکر، پژوهش حاضر در نظر دارد گامی باشد در جهت مفهوم‌شناسی و بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی ایران. گرچه نمی‌توان تلاش‌های ارزشمند پیشین در این راستا را نادیده گرفت (برای نمونه ن.ک. به: پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۷؛ فیاض، ۱۳۸۷؛ باصری و مجیدی‌زاده، ۱۳۹۶)، اغلب منابع موجود به دلیل اینکه شاخص‌های دقیق و مستندی ارائه نداده‌اند، در تقسیم‌بندی‌ها دقت لازم را ندارند؛ به این معنی که در مطالعه آن‌ها با تکرر بیش از حد اقلیم‌ها یا چشم‌پوشی از برخی اقلیم روبه‌رو هستیم. بنابراین، انجام پژوهشی مکمل در جهت تدوین شاخص‌های تعریف و تمایز اقلیم‌های فرهنگی ایران و سپس پهنه‌بندی این اقلیم‌ها بر اساس شاخص‌های احصاء‌شده ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر در نظر دارد با بهره‌گیری از منابع مکتوب ارزشمند پیشین و تلاش برای برطرف‌ساختن کاستی‌های موجود در آن‌ها با طرح پیشنهاداتی در جهت پاسخ‌گویی به این

۱. قابل دسترسی به آدرس

سؤال اصلی گام بردارد که پهنه‌بندی مناسب برای اقلیم‌های فرهنگی ایران چه می‌تواند باشد؟ و چنان‌که پیش از این تشریح شد گام مهم برای پاسخ‌گویی به سؤال مزبور دست‌یابی به پاسخ این سؤال است که اقلیم‌های فرهنگی ایران را بر اساس چه شاخص‌هایی می‌توان تعریف کرد و تمایز بخشید؟

۳. اهداف پژوهش:

بنا بر آن‌چه آمد، هدف اصلی این طرح پیشنهادی، گشودن بحث و پیش‌نهادن الگویی برای پهنه‌بندی اقلیم‌های فرهنگی ایران است تا در تدوین سند آمایش فرهنگی کشور مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب، هدف نهایی کمک به برنامه‌ریزی برای توسعه فرهنگی با نگاهی اقلیمی به جغرافیای فرهنگی کشور است.

در راستای تحقق هدف اصلی فوق، دست‌یابی به اهداف جزئی ذیل نیز مورد انتظار است:

- مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی؛ بدین معنی که بر اساس منابع موجود و قابل دسترس، منظور از مفهوم اقلیم فرهنگی چیست. در خلال این مفهوم‌شناسی بخشی از شاخص‌های اقلیم‌های فرهنگی احصاء خواهد شد.

- دست‌یابی به شاخص‌های تعریف و تمایز اقلیم‌های فرهنگی ایران؛ این هدف زمانی محقق خواهد شد که شاخص‌های احصاء‌شده در قالب تحقق هدف جزئی اول، بر اساس ویژگی‌های فرهنگی مناطق مختلف کشور تدقیق و متناسب‌سازی گردد.

۴. ملاحظات روش‌شناختی پژوهش:

نظر به اهداف پژوهش پیشنهادی حاضر و با توجه به مبانی پارادایمی و پیش‌فرض‌های فلسفی رویکرد کیفی (ن.ک به: بلیکی، ۱۳۹۶)، از بین رویکردهای مختلف روش‌شناختی (نک: Creswell, 2011)، بهره‌گیری از نوعی رویکرد کیفی برای این پژوهش پیشنهادی مناسب به نظر می‌رسد. با وجود ارجحیت روش‌های میدانی و مردم‌نگارانه برای شناخت اقلیم‌های فرهنگی ایران، به دلیل محدودیت‌های پژوهش حاضر، تنها به بهره‌گیری از پژوهش‌های موجود و در دسترس بسنده می‌کنیم که هر یک به‌نجوی به مفهوم‌شناسی اقلیم فرهنگی و دست‌یابی به شاخص‌های تعریف و تمایز اقلیم‌های فرهنگی ایران و ارائه الگوهایی برای پهنه‌بندی اقلیم‌های فرهنگی ایران کمک می‌کنند. بنابراین، روش قالب گردآوری داده‌ها در پژوهش پیشنهادی حاضر در صورت تصویب، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی خواهد بود. در این روش از ابزارهای جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی، مطالعه کتابخانه‌ای، فیش‌برداری و فیش‌نویسی بهره خواهیم برد. همچنین در تحلیل و سازمان‌دهی یافته‌های پژوهش بر انجام نوعی «تحلیل موضوعی» تأکید داریم. در نهایت، نتایج تحلیل‌های مذکور به منظور تعریف شاخص‌های بازشناسی اقلیم‌های فرهنگی و پیشنهاد پهنه‌بندی‌های آغازین با نظر به مناقشات نظری درباره شاخص‌های اقلیم‌های فرهنگی استفاده خواهد شد.

۵. خروجی‌ها و دستاوردهای مورد انتظار پژوهش:

در پی انجام این پژوهش انتظار می‌رود که با جمع‌آوری و بررسی مطالعاتی که در دسترس و در بازه زمانی پژوهش قرار می‌گیرند، شاخص‌های تعریف و تمایز اقلیم‌های فرهنگی به‌دست آمده و بر مبنای آن‌ها اقلیم فرهنگی ایران مورد بازشناسی قرار گیرند. یافته‌ها و نتایج پژوهش در نهایت با هدف ترسیم یک تصویر بزرگ‌تر از اقلیم فرهنگی ایران در قالب یک گزارش فرهنگی ارائه خواهد شد.

۶. حجم کمی (تقریبی) گزارش نهایی پژوهش:

در حدود ۴۰ تا ۵۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای.